



سیاست انجماد پناهندگان را می شکنیم



مصاحبه همبستگی هفتگی با مینا احدی پیرامون ملاقات با کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در ژنو در رابطه با پناهندگان ایرانی در ترکیه

احساس مسئولیتی در قبال سرنوشت این افراد نداشته و سالهای سال است آنها را وادار به زندگی در بدترین شرایط کرده اند. ما به ژنو رفتیم تا یکبار دیگر در مورد سرنوشت این انسانهای شریف، که اکثر آنها مخالفین و فعالین سیاسی علیه حکومت اسلامی هستند، صحبت کرده و

زندگی دو هزار نفر پناهنده ایرانی بود که اساسا از کردستان ایران هستند و بعد از فرار از ایران و سالها زندگی در بدترین شرایط در کمپهای پناهندگی عراق، بعد از حمله آمریکا به عراق به ترکیه فرار کرده اند. اینها که به دنبال یافتن مامن جدید و امنی در یک کشور غربی هستند، باز هم در ترکیه در ناامنی و فقر و فلاکت زندگی کرده و ظاهرا نه دولتهای غربی پناهنده پذیر و نه دولت ترکیه و کمیساریای عالی پناهندگان هیچ

همبستگی هفتگی: شما روز دوشنبه ملاقات مهمی با مسئول اروپایی کمیساریای پناهندگان سازمان ملل داشتید. هدفتان از این ملاقات چه بود؟ فکر میکنید این سازمان را با چنین ملاقاتهایی میتوان قانع کرد؟

مینا احدی: ملاقات با مسئول اروپایی کمیساریای عالی پناهندگان، برای اعلام اعتراض مجدد ما به موقعیت وخیم

ادامه در صفحه ۳

اعلام جنگ محافظه کاران انگلیس به حق پناهندگی!



سیامک امجدی

موضوع پناهندگی و مهاجرت و چگونگی تغییر در قوانین مربوطه جهت محدود کردن بیشتر شرایط پناهندگی از موضوعات مهمی بوده است که در سالهای اخیر مورد بحث سیاستمداران، دولت و رسانه های گروهی انگلستان بوده است. از چند روز پیش و بعد از ارائه طرح ضد پناهندگی مایکل هوارد، رهبر حزب محافظه کار، موضوع پناهندگی بار دیگر در صدر اخبار این کشور قرار گرفت. مایکل هوارد، رهبر حزب محافظه کار انگلیس، روز دوشنبه ۲۴ ژانویه ۲۰۰۵ طرح عبارتند از: ۱- محدود کردن پذیرش

طرحی را که "مهاجرت کنترل نشده" نام دارد، برای قانونمند کردن جلوگیری از ورود پناهنده به انگلیس ارائه داد. خطوط کلی طرح عبارتند از: ۱- محدود کردن پذیرش

اینجا ترکیه است و خبر این است:

سه انگشت یک کودک ۱۳ ساله پناهجو قطع شد

بابک شدیدی

ترکیه یکی جلال با مرگ و زندگی هستند. این از کشورهای هم مرز با ایران است و اکثر انسانهایی که از ظلم و ستم و استبداد مذهبی حاکم بر ایران می گریزند به این کشور و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل پناه می آورند. طبق آخرین آمار غیر رسمی و ثبت نشده حدود ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ هزار پناهنده ایرانی در ترکیه بسر می برند و در حال جنگ و

ادامه در صفحه ۴

از بازداشتگاه اداره مهاجرت با شما سخن می گویم! همه دنیا باید بدانند که در ایران چه می گذرد

من علیرضا طاهر پور به اتفاق همسرم روشنک عباسی این نامه را از بازداشتگاه اداره مهاجرت در ۱۲۰ کیلومتری شهر مالمو برای تان می نویسیم. ما با نوشتن این نامه قصد داریم ابتدا به فعالتهایمان چه در ایران و چه در خارج از کشور برای آزادی و برابری و ایجاد دموکراسی بپردازیم و سپس جریان دستگیری مان و انتقال به بازداشتگاه را برایتان شرح دهیم. مردم ایران مردمی هستند طالب دموکراسی و آزادی به طوریکه تاریخ طولانی مبارزات مردم طی دوره های مختلف خود شاهدهی است بر این ادعا.

ادامه در صفحه ۷

جلسه با فعالین فدراسیون در سوئیس

صفحه ۸۵

من بر نمیگردم

صفحه ۵

جلسات هفتگی علیه دیپورت در کانادا

صفحه ۸

زیر پوست مراکز اخراج در هلند کیوان قدیری

صفحه ۶

فراخوان به تظاهرات در دفاع از حق پناهندگی در انگلستان

صفحه ۴



با سرکوب خونین انقلاب ایران و تحمیل يك زندگي فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی، تنها و بدون تشکلهای بسیجی امنیتی و آرامش در ویرانه‌های مرزهای ایران می‌جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن‌ترین و انسانی‌ترین دست‌آوردهای بشری، دفاع بی‌قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم و نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فراملی بدون در نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به يك ضرورت فوری تبدیل می‌کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ محکم به این ضرورت بود.

بقول او: " همه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است."

گزارش مذاکره فدراسیون با مسئول اروپایی کمیساری عالی پناهندگان در ژنو - سویس

دو هزار نفر پناهجویان موسوم به کیس شمال عراق باید فوراً به یک کشور امن منتقل شوند

روز دوشنبه ۲۴ ماه ژانویه، در شهر ژنو ملاقات و مذاکره ای دو ساعته بین مسئولین همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی با مسئول اروپایی کمیساری عالی پناهندگان در مورد سرنوشت ۲۰۰۰ نفر پناهجویان فراری از ایران که عمدتاً از کردستان ایران هستند، انجام شد. از طرف فدراسیون مینا احدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و احمد محمندی مسئول واحد سویس فدراسیون با "بو - شاک" Bo Schack مسئول اروپایی کمیساری عالی پناهندگان ملاقات و مذاکره کردند. در این نشست به تفصیل در مورد موقعیت وخیم زندگی هزاران نفر پناهجوی فراری از جهنم جمهوری اسلامی در ترکیه و لاقیدی و بی توجهی کمیساری عالی پناهندگان و فشارهای دولت ترکیه و لزوم تصمیمات فوری در انتقال این پناهجویان به يك کشور ثالث امن تاکید شد. نماینده کمیساری عالی پناهندگان، گفت که کمیساری عالی پناهندگان از موقعیت پناهجویان موسوم به کیس شمال عراق مطلع و متأسف است. هدف کمیساری عالی پناهندگان حل صحیح این معضل است و خود کمیساری عالی پناهندگان در ژنو و ترکیه تحت فشار انتقادات بسیاری در مورد این اوضاع است. در عین حال بو- شاک علت این اوضاع را به موضعگیری و رفتار دولت ترکیه نیز مربوط میدانست. دلایل رفتار غیر مسئولانه در مورد پناهجویان شمال عراق که حتی بخشا پاسخ مثبت نیز گرفته اند، به مبارزه مسلحانه در کردستان ایران و بخشا فعالیتها مسلحانه تعدادی از پناهجویان مربوط میدانست. به قول ایشان ترس از "تورریسم" نیز يك عامل دیگر این رفتار است. در عین حال به نظر آنها اگر يك جمع بزرگ از کردستان به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شوند، امکان فرار تعداد بیشتری از کردستان ایران و عراق وجود دارد و به این دلایل ظاهراً مسئولین زیربط، چنین رفتار غیر انسانی را در مورد ۲۰۰۰ نفر اعمال میکنند. مینا احدی در پاسخ به این صحبتها به تفصیل در مورد، بهانه‌های دولت ترکیه و همچنین کمیساری عالی پناهندگان صحبت کرده و به این استدلالات پاسخ داد. وی در مورد علت فرار این افراد، جنگ و

پناهندگان حل صحیح این معضل است و خود کمیساری عالی پناهندگان در ژنو و ترکیه تحت فشار انتقادات بسیاری در مورد این اوضاع است. در عین حال بو- شاک علت این اوضاع را به موضعگیری و رفتار دولت ترکیه نیز مربوط میدانست. دلایل رفتار غیر مسئولانه در مورد پناهجویان شمال عراق که حتی بخشا پاسخ مثبت نیز گرفته اند، به مبارزه مسلحانه در کردستان ایران و بخشا فعالیتها مسلحانه تعدادی از پناهجویان مربوط میدانست. به قول ایشان ترس از "تورریسم" نیز يك عامل دیگر این رفتار است. در عین حال به نظر آنها اگر يك جمع بزرگ از کردستان به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شوند، امکان فرار تعداد بیشتری از کردستان ایران و عراق وجود دارد و به این دلایل ظاهراً مسئولین زیربط، چنین رفتار غیر انسانی را در مورد ۲۰۰۰ نفر اعمال میکنند. مینا احدی در پاسخ به این صحبتها به تفصیل در مورد، بهانه‌های دولت ترکیه و همچنین کمیساری عالی پناهندگان صحبت کرده و به این استدلالات پاسخ داد. وی در مورد علت فرار این افراد، جنگ و

در عین حال در مورد انتقال این افراد به يك کشور ثالث به تفصیل صحبت شد و تصمیماتی نیز گرفته شد. از این پس باید کاری کرد که واقعا کمیساری عالی پناهندگان نسبت به انتقال افراد به کشور امن وارد عمل شده و این امر را پیگیری کند. در پایان در مورد موقعیت زنان فراری از ایران و زندگی به غایت مشقت بار و سخت این زنان در ترکیه صحبت شد و لزوم توجه ویژه کمیساری عالی پناهندگان به موقعیت زنان و بویژه زنان فراری با کودکانشان که تنها بوده و ممر درآمدی نیز ندارند، مورد تاکید قرار گرفت. بو- شاک مسئول اروپایی کمیساری عالی پناهندگان معتقد بود که نهاد تحت مسئولیت ایشان در ترکیه همین کار را میکند و برای پاسخگویی مشخص، خواهان اطلاعات بیشتر در مورد کیسهای معین زنان شد. که فدراسیون به زودی این لیست را در اختیار کمیساری عالی پناهندگان در ژنو قرار خواهد داد.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۲۶ ژانویه ۲۰۰۵

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی این ملاقات را با اهمیت دانسته و مهتر از آن پیکیری و اعمال فشار به کمیساری عالی پناهندگان را برای اجرای برخی قول و قرارها دانسته و از همگان و بویژه از پناهجویان در ترکیه و در بقیه کشورها دعوت میکند که فعالانه برای

ممكن هزاران نفر پناهجوی فراری از سرکوب و ستم و زنان و اعدام را از بن بست چندین و چند ساله نجات دهد. برای تحمیل این خواست مهم به دولت آلمان در جلسه سخنرانی لایپزیگ از همگان دعوت شد فعالانه در این کمپین مهم شرکت کنند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد لایپزیگ ۲۶ ژانویه ۲۰۰۵

افکار عمومی را نسبت به نقض حقوق پایه‌ای پناهجویان در آلمان معطوف کرده و به دولت آلمان فشار بیاورد تا اولاً همه پناهجویانی را که سالهاست در این کشور سرگردان بوده و بدون هر نوع هویت شناسایی، در بدترین شرایط زیستی و رفاهی و بدون کمترین امکانات زندگی میکنند، را رسماً بعنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناسد و ثانیاً بهر طریق

خود پناهجویان و همچنین بر لزوم همکاری فعال با نهادها و سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی تاکید کردند. قرار است در آلمان روز ۱۱ فوریه روز اعتراض سراسری به سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان باشد. فدراسیون مصمم است که با سازماندهی بیشترین نیرو و با به خیابان آوردن بیشترین پناهجویان از کشورهای مختلف، یکبار دیگر

در جلسه سخنرانی در لایپزیگ، بر لزوم یک مبارزه اجتماعی در مقابل سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان تاکید شد.

جلسه که با استقبال پناهجویان روبرو شده بود، به تفصیل در مورد نظم نوین جهانی و موقعیت پناهندگی، سیاستهای جدید دولت آلمان و برنامه های فدراسیون در آلمان صحبت شد. سخنرانان بر لزوم يك فعاليت اجتماعی و همه جانبه با حضور فعال به دعوت واحد لایپزیگ فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، روز چهارشنبه ۱۹ ژانویه مینا احدی و وریا احمدی از مسئولین فدراسیون در شهر لایپزیگ آلمان يك جلسه سخنرانی در مورد قوانین جدید پناهندگی در آلمان داشتند. در این

سیاست انجماد پناهندگان را می شکنیم

مصاحبه همبستگی هفتگی با مینا احدی پیرامون ملاقات با کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در ژنو در رابطه با پناهندگان ایرانی در ترکیه

مسئولیتی در قبال سرنوشت این افراد نداشته و سالهای سال است آنها را وادار به زندگی در بدترین شرایط کرده اند. ما به ژنو رفتیم تا یکبار دیگر در مورد سرنوشت این انسانهای شریف، که اکثر آنها مخالفین و فعالین سیاسی علیه حکومت اسلامی هستند، صحبت کرده و فشار بیاوریم که فوراً این افراد به یک کشور امن منتقل شوند. در پاسخ به این سوال شما که آیا میتوان با این ملاقاتها اینها را قانع کرد باید بگویم که اگر در بیرون سالن ملاقاتها، یک جنبش اعتراضی وجود داشته و فشار به دولت و یا کمیساریای عالی پناهندگان باشد، حتماً میتوان از طریق این ملاقاتها نیز اعمال فشار کرد و به نتایجی دست یافت.

همبستگی هفتگی: در ملاقاتی که داشتید موضع کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در قبال پناهندگان موسوم به شمال عراقی چه بود؟ آیا تغییری در سیاست تاکنونی آنها دیده میشد؟

مینا احدی: توضیحات آنها این بود که اولاً ما میدانیم که این دو هزار نفر در شرایط بدی بسر میبرند، میدانیم که وضع زیستی و رفاهی آنها وخیم است، میدانیم که مجبورند تن به کارهای سخت و طاقت فرسا دهند، و فشار روی ما زیاد است که تکلیف این قضیه را روشن کنیم. اما خودمان هم نمیدانیم چه باید کرد. بخشا تقصیرها را به گردن دولت ترکیه انداخته و آنها را مانع قلمداد میکردند. در مجموع موضع کمیساریای عالی پناهندگان این بود که باید فکری به حال این معضل کرد و راه حلی پیدا کرد. من در این ملاقات تاکید کردم که ما با دولت ترکیه هم تماس داریم و آنها هم همین استدلال را

میاورند که تقصیر از جانب آنها نیست. پیشنهاد من این بود که طرفین دعوا یعنی دولت ترکیه، کمیساریای عالی پناهندگان و فدراسیون پناهندگان ایرانی یا هر نهاد دیگری که خود پناهجویان بخواهند در یک نشست مشترک در آنکارا شرکت کرده و در مورد این معضل مهم به نتایجی برسند و ترتیب انتقال این دو هزار نفر به اروپا و کانادا و غیره داده شود. بنظر من موضع کمیساریای عالی پناهندگان حل و فصل این معضل است، اما طبعاً باید فشار آورد که این امر هر چه زودتر اتفاق بیفتد و مثبت باشد یعنی همه پناهجویان منتقل شوند.

همبستگی هفتگی: آیا سیاست جدید کمیساریای پناهندگان منجمد کردن این پناهندگان و گرفتن اقامت دائم برای آنها در ترکیه است. یعنی میخواهند برای این پناهندگان اقامت دائم در ترکیه را بگیرند؟

مینا احدی: این بحث هم بود که استدلالها این است که اگر یکبار دو هزار نفر به اروپا منتقل شوند، میزان فرار از کردستان ایران و عراق زیاد میشود و در عین حال انتقال این افراد بدلیل وجود یک مبارزه مسلحانه در کردستان، خطر تروریسم را بالا میبرد و غیره. بنا بر این یک راه حل مطرح شده ظاهراً اینست که شاید همه این افراد را در ترکیه نگه داشته و به نوعی آنها را در ترکیه بپذیرند. که این پاسخ با اعتراض تند ما روبرو شد.

همبستگی هفتگی: بنظر می آید کمیساریای پناهندگان سازمان ملل به توجیهات ۱۱ سپتامبری جهت سربرازدن از تهدات بین المللی خود در قبال این پناهندگان متوسل

شده است. همین سازمان تا قبل از ۱۱ سپتامبر هزاران نفر از اعضا و نیروهای سازمانهای اپوزیسیون که اکنون مسلح و نظامی کار و تروریست نامیده میشوند را از ترکیه بعنوان پناهنده برسمیت شناخته و به کشور سوم انتقال داده است. این تغییر فاحش در سیاستهای کمیساریای پناهندگان را چگونه ارزیابی میکنید؟

مینا احدی: کمیساریای عالی پناهندگان اکنون برای همه روشن است که عصای دست دولتهای پناهنده پذیر است و سیاست و رفتار این نهاد اکنون هر چه بیشتر در مقابل پناهجویان است. ما قبلاً هم گفته ایم، در دنیای امروز، در نظم نوین جهانی، دولتهای پناهنده پذیر خود پناهنده ساز هستند و اساس سیاست آنها اینست که بر حق پناهندگی خط بطلان بکشند. این کار با انواع و اقسام توجیهات اتفاق می افتد و در این مورد نیز خطر تروریسم را مطرح میکنند. من در همانجا هم گفتم، تروریستها همان کسانی هستند که در سفارتخانه های حکومت اسلامی در قلب اروپا نشستند اند. حکومت اسلامی سردمدار تروریسم اسلامی است و سران جنایتکار این رژیم به همه جا میروند و اکنون اپوزیسیون این حکومت و مردمی که در دفاع از خود مسلح شده و در یک جنگ نابرابر حضور داشته اند، به بهانه خطر تروریسم، در ترکیه نگه داشته و مانع اعزام آنها به اروپا میشوند. راستش این استدلال بیش از حد مسخره و نخ نما است.

همبستگی هفتگی: به مباحثات ملاقاتتان برگردیم. آیا هیچ نشانی در تصمیم مسئول اروپایی این سازمان دیدید که بتوان امیدوار بود که راه حل انتقال به کشور سوم از سوی این سازمان جدی گرفته شود؟

مینا احدی: هدف ما و همه تلاش ما

باید این باشد که فوراً همه این افراد به اروپا و یا یک کشور امن دیگر منتقل شوند. فشار روی اینها زیاد است ولی بنظر من هنوز مقاومت میکنند. باید کاری کرد که بطور جدی این کار را بکنند و هدف من در این گفتگو همین بود که بالاخره آنها را وادار کنم پروسه انتقال را رسماً شروع کنند.

همبستگی هفتگی: گفتید قرار است جلسه ای در آنکارا با حضور نمایندگان دولت ترکیه، کمیساریای پناهندگان سازمان ملل، فدراسیون و سایر احزاب برگزار شود. این جلسه با چه هدفی برگزار میشود و چه سیاستی را حداقل از سوی فدراسیون دنبال میکند؟

مینا احدی: آقای "بو-شاک" مسئول اروپایی کمیساریای عالی پناهندگان از این حرف میزد که ترکیه مسئله است و مقامات ترکیه هم به ما میگویند یو ان مسئله است و خلاصه هر کس چیزی میگوید، من پیشنهاد کردم که طرفین بر سر یک میز مذاکره نشسته و با حضور نمایندگان پناهجویان تکلیف این قضیه روشن شود. ما این کار را پیگیری خواهیم کرد و کمیساریای عالی پناهندگان اعلام کرده که حاضر است در آنکارا این کار را بکند. ما باید با دولت ترکیه هم تماس گرفته و ترتیب این نشست را بدهیم. بهر حال از هر طریق ممکن باید کاری کنیم در چند ماه آینده این افراد به کشور دیگر منتقل شوند.

همبستگی هفتگی: پس از این ملاقات و برای نجات جان این دو هزار پناهنده منجمد شده در ترکیه، فدراسیون چه اقدامات جدی و مهمی را در دستور کارش میگذارد.

مینا احدی: اقدامات از این به بعد ما و پناهجویان خیلی مهم است. من میدانم که زندگی در ترکیه، نا امنی، سطح پایین استاندارد زندگی ویلاکتلیفی، اعصاب و روان همه را تحت فشار قرار داده است. میدانم که بخشا ناامیدی و بی افقی مسلط شده و خلاصه فشارها چنان زیاد

همبستگی هفتگی: نقش و جایگاه خود پناهندگان در ترکیه و یک کمپین قدرتمند بین المللی برای انتقال کلیه این پناهجویان را چگونه ببینید؟

مینا احدی: نقش اول را خود پناهندگان به عهده دارند. ما باید مبارزه اجتماعی و مدرن و موثر را سازمان دهیم. دوستان عزیز از طریق لب دوختن و یا اعتصاب غذا ما نمیتوانیم به جایی برسیم. اگر

بتوانیم متحدانه و دسته جمعی راهپیمایی کنیم و تظاهرات سازمان داده و تحصن کنیم، اگر بتوانیم صدای خودمان را از طریق مطبوعات در ترکیه و مطبوعات فارسی زبان به گوش جهانیان برسانیم، آنوقت کمیساریای عالی پناهندگان و دولت ترکیه مجبور میشود، ما را به یک نقطه امن بفرستند. پس دست بکار شویم و کاری کنیم که با اعمال فشار موثر این بار حق خودمان را گرفته و زندگی راحت و امنی را شروع کنیم.

اعلام جنگ محافظه کاران انگلیس به حق پناهندگی!

سیامک امجدی

خطوط کلی طرح عبارتند از: ۱- محدود کردن پذیرش پناهنده، ۲- انجام پروسه پناهندگی در خارج از مرزهای انگلیس و اروپا، ۶- کنترل شدید مرزها ۷- عدم در اردوگاههایی در مناطق "پناهنده خیز" ۳- بیرون کشیدن انگلیس از زیر تعهد به کنوانسیون ژنو، ۴- دادن قدرت بیشتر به وزارت کشور برای تسریع در دیپورت پناهجویان ردی و بازداشت آنان تا زمان دیپورت ۵- همکاری با کشورهای

دیگر اروپایی برای ایجاد اردوگاههایی پناهندگی در خارج از مرزهای اتحادیه اروپا، ۶- کنترل شدید مرزها ۷- عدم پذیرش درخواست پناهندگی پناهجویانی که از کشوری سوم وارد انگلیس میشوند. اینها محورهای اصلی طرح جناب هوارد و حزب محافظه کار انگلیس می باشد و قرار است که این سیاست راست و بیشتر به وزارت کشور برای تسریع در دیپورت پناهجویان ردی و بازداشت آنان تا زمان دیپورت ۵- همکاری با کشورهای

حزب و هوارد در انتخابات دور آتی انگلستان بشود. تبلیغات راست بر علیه پناهجویان، قربانیان سرکوب، استبداد و تبعیض ابعاد تازه ای پیدا کرده است. تعرض به حق پناهندگی در راس کمپین انتخاباتی قرار میگیرد و تبلیغات کاملاً راسیستی را در جامعه دامن میزنند. پناهجویان را مسبب بیکاری های میلیونی، جرم و جنایت در این کشور، ناهنجاریهای اجتماعی، پایین آوردن استاندارد زندگی و غیره قلمداد میکنند و از آنان تصویر انسانیهای تنبل، سواستفاده گر، قاچاقچی و مجرم را منعکس میکنند تا بتوانند حمایتها و احساسات انسانی مردم را نسبت به پناهجویان کم رنگ کرده و آنها

را پشت سیاستهای کاملاً راسیستی خود بخت کنند. نیاز سیاسی دول غربی به کنوانسیون ژنو تمام شده و امروز دیگر به صراحت از برچسب آن و متوقف کردن پروسه پناهندگی حرف میزنند. تا دیروز درها را به روی پناهنده باز نگه میداشتند و کنوانسیون ژنو را باد میزدند، چرا که دوران جنگ سرد بود و دول غربی و از جمله دولت انگلیس خود را مجبور به رعایت بسیاری از قوانین و ملزومات این جنگ میکرد. اما امروز وضعیت کاملاً فرق میکند، جنگ سردی دیگر نیست و کنوانسیون ژنو هم کاملاً مطلوبیت اش را برای آنها از دست داده است و تلاش میکنند که خودشان را از دست آن خلاص

سیاست اعلام شده حزب محافظه کار انگلیس برای حل "معضل پناهندگی" در این کشور، کاملاً راسیستی، بیشرمانه، ضد پناهنده و ضد حقوق اولیه انسانی است. يك اعلان جنگ علنی به حق پناهندگی است. میخ آخر را به تابوت حق پناهندگی در انگلیس میروند بگویند. تصمیمشان جدی است و عملی نکردن آن در گرو به میدان آمدن يك جنبش قوی و سازمان دادن يك اعتراض وسیع اجتماعی است. باید مبارزه برای حق پناهندگی را به خیابانهای انگلیس بکشانیم.

اینجا ترکیه است و خبر این است:

سه انگشت یک کودک ۱۳ ساله پناهجو در حین کار قطع شد

بابک شیددی

يك پناهنده زن گریخته از آن مملکت اسلام زده را خوانده اید که به خاطر زنده بودن و تهیه غذا دست به تن فروشی زده است. این ها تنها نمونه هایی کوچک از وضعیت سخت و اسفناک پناهندگی در ترکیه است. پناهجو باید برای حق اقامت خود در ترکیه هر ۶ ماه يك بار مبلغی را به وزارت کشور ترکیه پرداخت کند. حال این پول را پناهجو از کجا باید تهیه کند معلوم نیست. در این بین پناهجویانی هستند که شمال عراقی نامیده می شوند. پناهجویانی که سالها در شمال عراق به عنوان فعالین سیاسی سکنی گزیده بودند

سازمان ملل از طرف پلیس و وزارت کشور ترکیه به جهنمی به نام جمهوری اسلامی ایران دیپورت می شوند. این افراد انسانی هستند که در پروسه های ۵ ساله و ۶ ساله پرونده شان از طرف کمیساری عالی جواب ردی گرفته اند. در این بین شاهد ظلم و ستمی مضاعف بر زنان هستیم. اما اشتباه نکنید این ظلم و ستم این بار نه طرف جمهوری اسلامی بلکه از طرف کمیساری عالی است. اصطلاح سازمانی مدافع حقوق بشر است صورت می گیرد. حتما در هفته های قبل در همین نشریه گزارشی از زندگی شیوا

و به خاطر نا امنی آن مناطق و برای حفظ جانشان به ترکیه پناهنده شده اند. این عده از پناهجویان که اتفاقاً تعدادشان هم کم نیست از سال ۲۰۰۰ بدون هیچ گونه وضعیت مشخص و بلا تکلیفی در ترکیه بسر میبرند. پس از سال ها کمیساری عالی برگره قبولی به آنها داده و در ۳ ماه گذشته هم به آنها کمک مالی کرده اما از ابتدای سال ۲۰۰۵ اعلام کرده که دیگر هیچ گونه کمکی به آنها نخواهد کرد. طبق آخرین خبر رسیده از ترکیه یکی از کودکان این پناهجویان عراقی برای سیر کردن شکم خود و خانواده اش مجبور می شود در يك مغازه نانوايي مشغول به کار شود. او که کودکی ۱۳ ساله است مجبور بوده در هر روز ساعتها کار سخت انجام دهد. این کودک هفته قبل در حین کار یکی از انگشتان پایش قطع می شود ولی در بیمارستان، نه کمیساری عالی پناهندگان و نه کارفرما هیچ گونه کمکی به او نمی کنند. بالاخره انگشت پای او را وضعیت کاملاً غیر انسانی و اسفناکی بسر می برد بلا تکلیفی طولانی مدت، سیر رویه افزایش پناهجویان مخفی، بازداشت های بدون دلیل، شرایط بسیار بد مالی، زیستی و روحی از معضلاتی است که پناهجویان ایرانی در انگلستان با آن مواجه هستند

همبستگی - فرانسوین سراسری پناهندگان ایرانی واحد انگلیس، بار دیگر اعلام می دارد که ایران کشور امنی نیست در کشوری که پل آریل جنسی و زلزله در جامعه حاکمیت میکند، مذهب و قوانین ارتجاعی به مردم تحمیل شده است، کودکان

میوند میدهند. اما متأسفانه بعد از يك هفته چون عمل موفقیت آمیز نبوده روز چهارشنبه پزشکان مجبور می شوند که ۱۳ انگشت پای این کودک ۱۳ را قطع کنند. این حادثه ساعت ۴، ۳۰ صبح و در حین کار رخ داده است. در نظر بگیريد يك کودک ۱۳ ساله که باید آن وقت از صبح در خواب عمیق و شیرین کودکانه فرو رفته باشد مجبور است برای امرار معاش خانواده اش کار کند و در اثر نا امن بودن محیط کارش ۱۳ انگشت پایش را از دست بدهد.

عکس العمل کمیساری عالی چیست! آنها در جواب می گویند به ما ربطی ندارد مگر ما گفتیم بیاید پناهنده شوید! مگر ما گفتیم بروید سر کار! ما هیچ کاری نمی توانیم انجام دهیم!!! اینها بی شرمی را تا بدان جا رسانده اند که دیگر برای جان انسانها هیچ ارزشی قائل نیستند سازمانی که مدافع جان انسانها باید باشد با بی شرمی تمام اعلام می کند که مگر

ما گفته ایم بیاید پناهنده شوید!!! این سازمان هم همان سیاستهای کثیف ضد انسانی دول غربی را در سرکوب پناهجویان به کار گرفته است. اصلاً از آنها باید پرسید شما چه امکاناتی در اختیار پناهجو قرار می دهید که آنها مجبور به کار سیاه و سخت نشوند. در سال ۲۰۰۴ فقط ۱۵ درصد از متقاضیان پناهندگی جواب مثبت گرفته اند و سال ۲۰۰۴ سال اوج گیری دیپورت پناهجویان بود. این چه سیاستی است. آیا در منشور سازمان ملل صحبتی از حقوق کودکان شده است یا نه! احتمالاً همان کم ترین حقی را که اشاره شده که صد البته ناقص هم هست در سازمان شما دیده نمی شود چرا!! آیا جان انسانها تا این حد بی ارزش شده است که هر بلایی می خواهید بر سر پناهجو می آورید پس دفتر سازمان شما در ترکیه چرا دایر مانده است!!!

تظاهرات اعتراضی در حمایت از حق پناهندگی افشین عزیزان و اعتراض به سیاستهای پناهندگی دولت انگلیس

افشین عزیزان يك پناهجوی ایرانی است که ده سال پیش از دولت انگلیس تقاضای پناهندگی کرده است و هنوز درخواست پناهندگی او از جانب وزارت کشور دولت انگلیس مورد قبول قرار نگرفته است. بلا تکلیفی طولانی، وضعیت بد مالی، زیستی و

روحی، خطر دیپورت تنها گوشه های از يك شرایط غیر انسانی است که دولت انگلیس در طی این سالین طولانی به افشین تحمیل کرده است. هزاران پناهجوی ایرانی و از جمله افشین عزیزان کماز جمهوری اسلامی گریخته اند، در انگلستان در

اعلام میشوند، زنان به دلیل داشتن رابطه جنسی سنگسار میشوند، فعالین سیاسی زندان، شکنجه و اعلام میشوند، امنیت تنها برای سران جنایتکار جمهوری اسلامی وجود دارد. به این دلایل دولت انگلیس موظف است فراریان از جمهوری اسلامی، از جمله افشین عزیزان را بعنوان پناهنده بپذیرد. در اعتراض به عدم پذیرش پناهندگی افشین عزیزان و در اعتراض به سیاستهای ضد پناهندگی دولت انگلیس، روز جمعه ۲۸ ژانویه ۲۰۰۵ از ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر يك آکسیون اعتراضی در مقابل

وزارت کشور انگلیس در کرویدون توسط فرانسوین فراخوان داده شده است همه سازمانها و انجمنهای شریف و آزادیخواه برای شرکت گسترده در این آکسیون اعتراضی دعوت میکنیم فراموش نکنیم که هر گونه تغییری در بهبود وضعیت موجود پناهندگی در انگلیس فقط و فقط در گرو اتحاد من، مبارزه متحد و متشکل مان می باشد

همبستگی - فدراسیون پناهندگان ایرانی واحد انگلیس

من بر نمیگردم

کمپین دفاع از حق پناهندگی زنان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی

هجرت را برگزیدم تا برای آزادی زنان کشورم مبارزه کنم

نرگس حاج حیدری



جهنم جمهوری اسلامی مجبور به فرار شدم تا علیه بیداد و خفقانی که در ایران حکمفرماست مبارزه کنم . در حال حاضر با وجودی که در آلمان از نظر اقامتی وضعیت خوبی ندارم ولی به فعالیت خود علیه جمهوری اسلامی ادامه می دهم . عضو سازمان آزادی زن هستم و در راه اهداف حزب کمونیست کارگری ایران تا برقراری یک دنیای بهتر می کوشم و تا جان در بدن دارم در بر اندازی جمهوری اسلامی مبارزه خواهم کرد .
زنده باد آزادی و برابری مرگ بر

به ایران بر نمی گردم مگر اینکه اول صدای دادخواهی هزاران زن تحت ستم را به گوش جهانیان برسانم و همه با هم رژیم ننگین جمهوری اسلامی را سر نگویم . قصه ما پناهجویان قصه عدم پذیرش ظلم و ستم است . من نرگس حاج حیدری هستم . مدت پنج سال است که به علت فعالیت‌های سیاسی که در ایران داشتم مجبور به ترک وطن شدم . در ایران از نظر اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی آزادی و برابری وجود ندارد . متأسفانه روز به روز هم بخاطر حکومت غیر انسانی جمهوری اسلامی شرائط و وضعیت بدتر می شود . زنان در ایران حتی اجازه انتخاب پوشش خود را ندارند . به هر بهانه ای زنان را شکنجه و اعدام و سنگسار می کنند . زنان در ایران اسیر بی عدالتیها و توهینهای همه جانبه از طرف دولت همسر و خانواده هستند . اگر ادعای حق طلبی نمایی بر چسب ضد رژیم وضد دولت به تو خواهند چسباند . قوانین پوسیده اسلامی را به زور به نام قانون اساسی به ما تحمیل کرده اند و اگر از آن سر باز زنیم سنگسار و قطع عضو و شلاق و زندان انتظارمان را می کشد . از

به جایی که من را انسان نمیداند بر نمیگردم

نوشین براوران



غالب موارد به عهده زنان است . بسیاری از این روشها هورمونی و زیان آور هستند در موارد بیماریهای مزمن و قلبی خطر مرگ را به دنبال دارند . علت دیگر شایع مرگ زنان سقط هائی است که در محیط غیر بیمارستان توسط ماماهاى محلی انجام می گیرد . زنانی که به این افراد مراجعه می کنند از ترس دختر به دنیا آوردن ویا حاملگی بدون ازواج می باشد که اگر به مرگ مادر منتهی نگردد توسط قانون جمهوری اسلامی به مرگ محکوم می شود . مورد دیگری که باعث مرگ زنان میشود مسئله شب عروسی و سالم بودن پرده بکارت است که در ایران دادن این گواهی از شرح وظائف ماماها می باشد . همیشه این مورد برابرم با ترس و اضطراب بود و آرزو می کردم که مراجعه کننده عروس نداشته باشم و نهایتا همین مورد منجر به فرار من از ایران شد . زمانی که در یکی از روستاهای استان کردستان مطب داشتم گواهی را به شخصی دادم که از بد شانسى بکارت وی از نوع حلقوی ارتجاعی بود (در این مورد احتمال اینکه خونریزی در اولین رابطه جنسی نباشد وجود دارد) داماد و نا برابری وجود دارد .

من نوشین براوران هستم . دو سال و سه ماه است در آلمان زندگی می کنم . از همان سنین کودکی بود که دریافتم خانواده ام با مشکلات خاصی درگیر هستند . بطوریکه بارها نیروهای پاسدار به خانه ما می ریختند و همه چیز را به هم می زدند و دنبال برادرم می گشتند . تنفر من از آنها در همان زمان شکل گرفت . هرچه بزرگتر می شدم به ماهیت ضد انسانی بودن جمهوری اسلامی بیشتر پی می بردم . در دبیرستان با یک عده از دوستانم روزنامه های دیواری علیه رژیم می نوشتیم . در این رابطه بارها از طرف معلم امور پرورشی که عامل رژیم در دبیرستان بود مورد بازجویی قرار گرفتم و تهدید به اخراج از دبیرستان شدم . پس از دبیرستان در رشته مامایی به

ممامائی می باشد اما در این رابطه به من مجوز در بخش روستائی دادند . همانطور که گفتم من ماما هستم و سر و کارم با قشر جامعه زن ایران بود . از نزدیک مشکلات آنها را دیده و لمس می کردم . اگر بخوام خاطرات خود را بنویسم یک کتاب قطور خواهد شد . در اینجا به برخی موارد اشاره می کنم :
زنان در جامعه ایران هر روز بخاطر زن بودنشان سر کوب می شوند و بارها جانشان را از دست می دهند این مسائل و دغدغه ها از سنین خیلی کم ظاهر می شوند اهمیت بکارت و دوشیزگی - ازدواج اجباری - زایمان - روشهای پیشگیری از بارداری و غیره . زنان بعلت پسر خواستن از جانب مردان مذهبی و سنتی مجبور به حاملگیهای مجدد می شوند حتی اگر از نظر پزشکی نباید حامله شوند و حتی اگر جانشان در خطر باشد . مسئولیت پیشگیری از بارداری در

تحصیلاتم ادامه دادم . محیط دانشگاه بشدت کنترل می شد . روی دانشجویانی که برای سالگرد مرگ خمینی نمی رفتند یا در فعالیتهای کمیته فرهنگی شرکت نمی کردند حساس بودند . از حراست دانشگاه چند بار برایم نامه محرمانه (جهت جواب به یکسری سوالها) فرستاده شد . که وقتی میرفتم بیشتر در مورد برادرم می پرسیدند و اینکه تا بحال به خارج از کشور سفر کرده ام یا نه ؟ پس از پایان تحصیلاتم در مقطع کارشناسی دو بار جهت استخدامی در آزمون شرکت کردم . با اینکه نمرات علمی ام به حد نصاب رسیده بود ولی اسم من در لیست قبولیهای استخدام نبود . وقتی که پیگیری می کردم یک جواب را می شنیدم شما اصلح نیستید! دائر کردن مطب حق هر

فریادهای خود را از طریق تلویزیون همبستگی به گوش صدها هزار نفر برسانید

فریاد حق طلبانه آنها را به گوش صدها هزار نفر برسانید بلکه کيفر خواست ها و ادعای نامه های این زنان را مستند سازد . در این پروژه مهم شرکت کرده و صدای اعتراض خود را به گوش همه برسانید .
فریاد از اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی باشد .
همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پروژه زنان پناهجو

پروژه زنان پناهجوی همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ، در نظر دارد در ادامه پروژه کمپین من بر نمیگردم هر هفته در برنامه های تلویزیونی همبستگی با یکی از زنان فرار از جمهوری اسلامی مصاحبه کرده و بدینگونه نه تنها فریاد حق طلبانه آنها را به گوش صدها هزار نفر برساند بلکه کيفر خواست ها و ادعای نامه های این زنان را مستند سازد . در این پروژه مهم شرکت کرده و صدای اعتراض خود را به گوش همه برسانید .

زیر پوست مراکز اخراج در هلند

کیوان قدیری

در هلند دو مرکز اخراج (دیپورت) پناهندگان وجود دارد. یکی از آنان مرکز فرودگاه آمستردام و دیگری مرکز اخراج فرودگاه روتردام میباشد. مرکز اخراج روتردام یکی از هولناکترین مراکز اخراج در هلند است. زمانی که پرونده پناهندگی افراد در هلند بسته می شود، آنها را به زور به یکی از مراکز اخراج برده و برای هشت هفته در آنجا تحت بازداشت نگه می دارند. این دو مکان را کارکنان مراکز ننگه داری از پناهندگان (COA) میشناسند چرا که این بخشی از روند پناهندگی و متعاقب آن در هلند است و این کارکنان با آن آشنایی کامل دارند. میدانند که این قابل اجرا است و این نه تنها برای پناهندگان پرونده بسته بلکه برای افراد مهاجری که بصورت غیر قانونی در هلند زندگی میکنند نیز مورد استفاده قرار میگیرد. هیچ اهمیتی ندارد که آنان قبلاً تقاضای پناهندگی در هلند داده اند یا نه. اگر قضات دادگاههای هلند بهر نوعی این امکان را برای آنان قائل باشند که دیگر شانس برای ماندن در هلند را ندارند آنان را به این مراکز فرستاده و حداقل برای هشت هفته در آنجا نگهداری میکنند. از مرکز اخراج روتردام هیچ یک از کارکنان نگهداری از پناهندگان نمیتوانند بازدید کنند. فقط در چند شرایط استثنایی افراد کمی توانستند از آنجا دیدن کنند. پس از پخش واقعیتهایی از این مراکز از طریق رسانه های گروهی هلند و رادیو و تلویزیون و متعاقب انعکاس اعتراضی وسیع آن در جامعه، حتی از ورود کمیته تحقیق و کمیته بهداشت و سلامتی با قدرت هر چه تمام تر جلوگیری بعمل آمد. گروه تلویزیونی تلاش کردند که از پشت پنجره های بازداشتگاه نوارهایی را ضبط کنند ولی پنجره ها نیز با پرده های ضخیم پوشانده شده که دیگر کسی نتواند حتی از دور نگاهی به آنجا بیندازد. در سال ۲۰۰۴ تلویزیون هلند برنامه های مختلفی را نیز در این راستا ساخته و منتشر کرده است که واکنش شدیدی از طرف مسئولین بخش امور اتباع خارجی که در واقع مسئولین

اصلی اینگونه مراکز هستند، نشان داده شد. در اینجا قصد نداریم که بعضی از این حکایت های واقعی را برایتان باز گو کنیم که توسط شاهدان عینی ماجراها از ملیتهای مختلف برایمان بازگو و ارسال شده و ما بنا به دلایلی که خودشان از ما خواسته اند از عنوان کردن نام آنان خودداری کردیم. **(گزارش شاهد یک): احساس می کردم که یک حیوان هستم!** من در يك اطاق در دو (۲ & ۲) متر که

پاهایش را از پشت بسته دهندش را با يك نوار چسب پهن بستند تا نتواند فریاد بزند. با يك ملاقه هم سر و صورتش را بستند تا نتواند جایی را ببیند. کشان کشان او را روی زمین کشیده و با خود به جای دیگری بردند. همگی این واقعه دهشتناک را میدیدیم. حتی بچه هایی کوچک با دیدن این واقعه افراد زندانی شروع به فریاد زدن کردند و جهمی را بوجود آوردند که لحظات زیادی در جوش و خروش بود. بر اساس تجاری که ما از کشورمان داشتیم خیال میکردیم که او را برای اعدام می برند. چونکه اینگونه رفتار شامل کسانی هست که قصد اعدامشان دارند و ما فکر میکردیم که او را برای مردن میبرند. دیگر نمیدانیم که چه شد!

(گزارش شاهد ۲): مجبورمان میکردند زانو بزنیم

من و فرزند کوچکم در زمان زدن استامپ (مهر) کارتهایمان بدون هیچ دلیلی دستگیر و به بازداشتگاه اخراجیان در روتردام منتقل شدیم. آنان به زور لباسهایمان را در آوردند. مجبورمان میکردند که دفعات زیادی زانو بزنیم و بلند شویم (بشین و پاشو) و عجیب اینکه بعد از چند روز بدون هیچ توضیحی ما را رها کردند!



مرکز اخراج در فرودگاه آمستردام

(گزارش شاهد ۳): فکر کردیم او را برای اعدام میبرند!

ما مجبور بودیم که برای هفته های متوالی برنج و مقداری لوبیا بخوریم و هر روز داستان همین بود که گفتیم، تا زمانی که استفراغ کرده و بالا آوردم. زمانی که من در آنجا بودم یک خانمی هم بود که خیلی سیاست مدارانه با این قضیه برخورد کرده و دست به اعتراض زد. در اولین واکنش مجبورش کردند که بجای شصت دقیقه، چهل دقیقه خارج از سلول به هواخوری برده شود. بقیه روز هم هیچ غذای دیگری به او ندادند. وقتی که او مجدداً اعتراض و شروع به در زدن کرد نگهبانان نظامی آمدند و او را از سلولش بیرون انداخته و دست و

توالت هم در آن قرار داشت برای مدت هشت هفته بازداشت بودم. در سلول من هیچ پنجره ای وجود نداشت. در واقع نه از روشنایی روز خبری بود و نه از هوای تازه. من حتی اجازه استفاده از مسواک را نیز نداشتم. چیزی هم برای پاک کردنمان وجود نداشت!؟ هر روز يك ساعت ما را از سلول مان بیرون برده و این تنها فرصتی بود که ما از هوای تازه بتوانیم استفاده کنیم. روشنایی روز را ببینیم. در همین لحظات بود که من بیشتر احساس می کردم که یک حیوان هستم تا یک انسان. در سلول و بند های دیگر افراد صدایی همانند حیوانات از خود در می آوردند که انگار واقعاً قبلاً حیوان بوده اند. این داستان هر روز ادامه داشت و من مطمئنم که همچنان ادامه دارد.

(گزارش شاهد ۴): بازداشت های بی موج

وکیل من گفت که آنها بدلیل شرایط سلامتی تو هیچ شانس برای اخراج تو ندارند. ولی آنها همچنان آمدند و مرا از سلول بیرون انداختند. من تلاش زیادی برای زندگی خودم کردم چون میدانستم که آنها می خواهند مرا به کشورم باز بفرستند. جایی که مرا خواهند کشت. یا بعزت کمبود دارو و عدم دسترسی به امکانات و معالجات پزشکی با مرگ دست و پنجه میزنم. پنج مرد مسلح آمدند و مرا کشان کشان و با زوری که بر بدن من که از شدت بیماری نحیف شده بود می آوردند، مرا به اطاق قرنطینه منتقل کردند. این تقریباً هشت ساعتی طول کشید و بعد



آمدند و رهایم کردند و اظهار داشتند که اشتباهی در هویت و شناسایی صورت گرفته و آنها میبایست شخص دیگری را بازداشت میکردند. ولی چند هفته بعد آنها دوباره آمده و مرا دستگیر کرده و به اداره جنا سازی و اخراج منتقل کردند. از آنجا به اطاق انتظار برای سوار شدن به هواپیما. دکتر زنان آمد و فشار خون مرا گرفته و بعد رفت. من تمام شب را گریه می کردم. به خانواده خودم که کشته شده بودند فکر می کردم. يك ساعت قبل از عزیمت من، آنها مرا به زندان معمولی انتقال دادند. من در واقع باید از وکیل خودم تشکر کنم که تلاش زیادی بخاطر شرایط ویژه سلامتی ام در این راه برای من انجام داد و سرانجام من بدون هیچ دلیل قانع کننده ای از طرف مقامات از زندان آزاد شدم.

(گزارش شاهد ۵): هراس از در زدن سایه مرگ

آنها همیشه غیر منتظره در اواسط شب میان. تو نمیدونی که اونها میخوان کلوم در روز بزند. در این چنین شبهایی تو مرگ رو حس میکنی، که آهسته آهسته داره از کنارت میگذره و شاید یک دفعه به سراغ تو بیاد. در روز بزنه و بعد از اون بود که من بوی تند شاش رو همیشه توی مشامم حس و تجربه میکنم. تجربه تلخ ناکیه نه؟ همه اونهایی که توی شرایط من چه در اینجا یا در کشور خودتون بودن میفهمن که من دارم چی میگم. اینها شعرهای تشنگ نیست، رمانهای برگرفته از نویسندگان نیست، اینها خود واقعیت است که متأسفانه در دنیا وجود داره و انگاری که کسی هم ککش نمی گزه که چی داره میگذره بابا. خب اشکالی نداره!؟ ما یاد گرفتیم که روی پای خودمون باشیم و میمونیم تا ادامه در صفحه بعد

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید

ادامه از صفحه ۶

(گزارش شاهد ۶): میخواستند مرا به کشور دیگری بازگردانند!

وکیل پرونده پزشکی مرا برای IND سازمان مهاجرت و تابعیت هلند فرستاد تا آنها دقیق تر به مشکل و تهدیدی که مرضی من برای سلامتی من در بر دارد آگاه باشند. ولی آن دی میگوید که هرگز چنین چیزی را دریافت نکرده است. من بخاطر مرضی ام ملاقاتی داشتم. ملاقاتی من هنگام رفتن فراموش کرد که کیف جیبی خودش را از توی قفسه کشودار بردارد و من امضا کردم که این کیف مال اوست. آنها به صاحبش برگردانند. ولی فردای آن روز آنها آمدند و اظهار داشتند که من اظهار نامه یک ملیت دیگری را امضا کرده ام و بنابراین آنها میتوانند مرا به آن کشور بفرستند. کشوری که من از آنجا

نیامده ام و به آنجا تعلق ندارم و وکیل یک نسخه از آن اظهار نامه را خواست ولی هرگز به او ندادند.

(گزارش شاهد ۷): باور نمیکنم چگونه هویت انسانی را در ما کشتند!

من از وضعیت سلامتی خودم شکایت داشتم و دکتر زنان میگفت که این چندان مهم نیست تا زمانی که بخواهند مرا با هواپیما منتقل کنند. اگر هم من بزودی میمردم برای آنها اصلاً مهم نبود. با وخامت شدن وضعیت سلامت من بلاخره مرا به بیمارستان منتقل کردند. در بیمارستان من مجبور بودم که روی کمرم و با بازوهایم راه بروم. این برای من خیلی شرم آور و دشوار و دردناک بود. جراح انتخابی از طرف آن دی هم از من معاینه ای بعمل نیاورد و اعلام کرد که در انتقال من هیچ مشکلی نیست. من به اندازه کافی از

سلامتی برخوردارم که بتوانم سوار هواپیما جهت بازگشت بشوم. اما بعد از مدتی نظریه دومی هم دادند و از بیمارستان مرخص و روانه خیابانها شدم. هنوز باور نمیکنم که در این کشور ما چطور هویت انسانی خودمان را از دست دادیم.

(گزارش شاهد ۸): عمیق ترین ترسم را بازگو میکنم!

مردم از من درمورد تجربیاتم در زمان بازداشت در مرکز اخراج میپرسن. من هم بافردی که از این مراکز دیدن کرده انلویا مثل من در آنجا بازداشت بوده اند حرف زدم. من مجبورم که عمیق ترین ترسم را که من چطور در محاکمه بودم، را برایشان بازگو کنم. همچنین دریافتم که افراد زیادی با بیماریهای جنی و سنگین از طرف دکترهای کمپ اخراج رسیدگی نشدند و اصلاً آنان از درمان و

رسیدگی پزشکی اجتناب میکنند. من واقعاً شرم دارم که عضوی از این جامعه ای هستم که آنها جامعه مسیحی مینامند. توسط دولتی رهبری میشوند که مردم را حتی کمتر از حیوانات تعلیم و تربیت میدهند. این گونه مردم با بد شانس در جایی اشتباه متولد شده اند که خبری از صلح و آرامش در آنجا موجود نیست از این رو آنان مجبورند که برای همه عمرشان از جایی که ما میگوییم جامعه متملن؛ تبعید باشند. من در محاکمه افرادی بودم که از ساحل غربی آفریقا آمده و در حال حاضر آنان را به لاگوس بدون هیچ گونه امکاناتی از زندگی و بدلائیل متعدد و مشکلات اساسی که در این منطقه وجود دارد منتقل میکنند. و این پناهندگان قصد دارند که بهر صورتی از این مشکلات بگریزند و در صورت امکان بصورت مسالمت آمیزی به خانه بپوشان برگردند که غالباً تبدیل به

قربانیانی میشوند که یا مورد تجاوز قرار گرفته و یا کشته میشوند. ما با بازگویی حکایت های تنی چند از قربانیانی که بیرحمانه در مهد کشورهای به اصطلاح دموکراسی مورد تجاوز قرار گفتند قصد انعکاس آن در دلهای آگاه و رسانه های گروهی و جامعه بین المللی را داریم. باشد که گوشهای شنوایی بشنوند و چشمهای بینند و متعاقب آن به یاری آنان بشتابند. آنان نیازمند کمک هستند، نه فقط بصورت دلسوزی، بلکه بخاطر حقی که بعنوان یک انسان دارند و این حق را همه کشورهای جهان به رسمیت شناخته و به آن مهر تأیید زده و بعنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر امضا کنندگان آنند. امیدواریم که سازمانهای جهانی حقوق بشر فعالانه و استوارتر به اینگونه وقایع واکنش نشان دهند.

از بازداشتگاه اداره مهاجرت با شما سخن می گویم!

که چگونه این دوستان از حقوق به حق ما دستبند زدند و ما را از خانه بیرون بردند. ابتدا ما را به بازداشتگاه اداره پلیس بردند و سپس به بازداشتگاه اداره مهاجرت در شهر مالمو منتقل نمودند. در این بازداشتگاه تعدادی پناهجو وجود دارد و هر یک هم به نوعی به نحوه برخورد ضد انسانی اداره مهاجرت سوئد معترض هستند. مثلاً یک نفر به مدت ۳۰ روز است که در اعتصاب غذای خشک به سر می برد و البته وضعیت ما بهتر از

بقیه نیست و یک فشار عصبی و روحی سنگینی به ما وارد شده است. پس از این بازداشتگاه، ما را به یک بازداشتگاه دور افتاده ای بردند که در جنگل است و شاید ۱۲۰ کیلومتری از مالمو فاصله دارد. اینهم به یک سیاست دولت سوئد تبدیل شده است که می خواهد حتی المقدور و بی سر و صدا پناهجو را اخراج کند.

در هر حال ما برای آزادی و دموکراسی تلاش خواهیم کرد و به هیچ عنوان به جایی که آخوندهای جانی حکومت می کنند بر نخواهیم گشت حتی اگر به قیمت جانمان تمام شود. چون مرگ اینجا بهتر از مرگ سخت و همراه با شکنجه آخوند های جلا است!

همه دنیا باید بفهمد که در ایران چه اتفاقاتی می افتد.

زنده باد آزادی و برابری مرگ بر جمهوری اسلامی

به ما همچون یک تبهکار و یا قاتل دستبند زدند و ما را از خانه بیرون بردند. ابتدا ما را به بازداشتگاه اداره پلیس بردند و سپس به بازداشتگاه اداره مهاجرت در شهر مالمو منتقل نمودند. در این بازداشتگاه تعدادی پناهجو وجود دارد و هر یک هم به نوعی به نحوه برخورد ضد انسانی اداره مهاجرت سوئد معترض هستند. مثلاً یک نفر به مدت ۳۰ روز است که در اعتصاب غذای خشک به سر می برد و البته وضعیت ما بهتر از



علیرضا و همسرش روشنگر هنگام دستگیری توسط مامورین سوئدی

در روز دوشنبه ۱۰ ژانویه ۲۰۰۵ حدود ساعت هشت شب در حالیکه من و همسر در خانه بودیم متوجه حضور پلیس در پشت در خانه شدیم و پلیس با زنگ زدن و ضربه به در می خواست که ما از خانه بیرون بیایم. ولی ما از باز کردن در امتناع نمودیم و این باعث عصبانیت پلیس و متوسل به آوردن قفل ساز و باز کردن در شد. پلیسها پس از ورود به خانه،

گفتن اینکه ایران کشور امنی است و هیچ خطری وجود ندارد تمامی ذهنیات ما را از زندگی در یک کشور آزاد و دموکراتیک بلبل به یک کابوس شوم کرد.

دولت تروریستی تحت تعقیب قرار گرفتیم و مجبور به ترك ایران شدیم و با سختی فراوان خود را به کشور سوئد رساندیم. پس از ورودمان به سوئد خوشحال از این شدیم

جمهوری اسلامی و علیرغم اینکه این رژیم خونخوار با ایجاد رعب و وحشت در میان مردم توانسته به مدت ۲۶ سال به حکومت خودکامه اش ادامه دهد ولی



که با ورود به یک کشور دموکراتیک قادر خواهیم بود که فعالیتیمان را علنی تر و گسترده تر نموده و صدای اعتراضمان را برعلیه رژیم تروریستی، زن ستیز و دیکتاتور ایران با شرکت در آکسیونها و یا تظاهرات به گوش جهانیان برسانیم. ولی زهی خیال باطل! اداره مهاجرت سوئد بدون توجه به مدارک و شواهد ما، به راحتی به تقاضای ما پاسخ منفی داد و با

مردم نیز ساکت ننشسته و برای آزادی خود با این حکومت دینی مبارزه کرده اند. ما هم مثل بقیه ایرانیان آزادیخواه برای بدست آوردن آزادی و دموکراسی با این رژیم مبارزه کردیم. چه خود من بعنوان یک افسر نیروی دریایی - جمعی گروه بهداشت و درمان - و چه همسر من بعنوان یک دانشجو، همواره در مبارزه آشکار و پنهان با این رژیم پلید بودیم. تا اینکه از طرف

در جلسات هفتگی پناهندگان ردی و بلاتکلیف در کانادا شرکت کنید

مکان: ۵۲۲۸۸ خیابان جویس مقابل اسکای ترن جویس، پنجشنبه ۲۷ ژانویه

کمپین علیه دیپورت که متشکل از فدراسیون پناهندگان ایرانی و کمپین «هیچ کس غیر قانونی نیست» دوره جدیدی از فعالیتهای خود را در ارتباط با پناهندگان ردی و دیپورتی آغاز کرده است. این کمپین تا به امروز چندین جلسه هفته گوی برگزار کرده است. آخرین جلسه در تاریخ ۲۰ ژانویه برگزار شد. در این جلسه تعداد قابل ملاحظه ای از پناهندگان و علاقمندان دفاع از حقوق پناهندگی شرکت داشتند. مواردی که در این جلسه به آنها پرداخته شد از این جمله می باشند: بررسی وضعیت کلیه پناهجویانی که در معرض خطر دیپورت می باشند. دعوت به همکاری هر چه بیشتر پناهندگان و علاقمندان دفاع از حقوق پناهندگی، تماس با نهادها و سازمانهایی که حاضر به همکاری و

حمایت از پناهجویان می باشند، دعوت و جلب حمایت مطبوعات ایرانی زبان و غیر ایرانی برای جلب افکار عمومی جامعه مبنی بر مبرم بودن وضعیت پناهجویان ردی و دیپورتی و در همچنین تشویق هر چه بیشتر پناهجویان در برقراری تماس با این کمپین و شرکت در جلسات هفتگی از جمله مباحثی بود که مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. نکته مهمی که به آن اشاره شد این بود که شرکت فعال پناهجویان در سرنوشت خود چه قدر از اهمیتی بالایی برخوردار است، در این جلسه دو پناهجوی فلسطینی نیز شرکت داشتند که قاضی که حکم ردی آنها را تصویب کرده در بین پناهجویان و وکلا معروف به راسیست بودن می باشد. نزدیک به نود و نه درصد از کیسهای که ایشان راجبشان نظر می دهد منجر به ردی و دیپورتی می شود. دلایلی که این خانم می آورد بسیار غیر منطقی و غیر منسفانه می باشد بدین خاطر بسیاری از وکلای مسول از رفتن به

دادگاهی که ایشان حضور داشته باشند تا حد امکان خوداری می کنند. به دلیل شکایات زیادی که از جانب وکلا و پناهجویان از این قاضی شده و با بررسی کیسهای مراجعه شده جمعی از وکلای مسول خواهان بازخواست این قاضی را کرده اند. بدین خاطر کمپین «هیچ کس غیر قانونی نیست» و فدراسیون پناهندگان ایرانی از شما دعوت میکند اگر این شخص که اسمش Barbara Hajsen می باشد قاضی شما در هر مرحله از دادگاه تان بوده است حتما با ما تماس بگیرید زیرا ما در تلاش هستیم تا از اداره ایگیرییشن بخواهیم پرونده کسانی را که ایشان قاضیشان بودند را تجدید نظر کرده و بازگشایی کنند. بدین خاطر تماس و همکاری شما از اهمیت بسزایی برخوردار است. چرا که متاسفانه بسیاری از پناهجویان تا لحظه دیپورتی با تماس نمی گیرند و در لحظه دیپورت انتظار قبولی و حل مشکلشان را دارند که متاسفانه در بسیاری موارد بگیرد.

همبستگی
نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

سردبیر:

فرشاد حسینی

آدرسها:

سایت انترنتی همبستگی:
Www.hambastegi.org

پست الکترونیکی:

iffr@ukonline.co.uk

شماره تلفن:

0031613940534

شماره فاکس:

0017345386165

تلویزیون همبستگی

هر سه شنبه ها ساعت:

22—21.30

مشخصات فنی تلویزیون:

Satellite: Telstar 12
Center Frequency:
12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

راديو همبستگی

هر شنبه ساعت:

21 - 21.15

طول موج راديو:

۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰
کیلوهرتز

به فدراسیون
سراسری
پناهندگان
ایرانی کمک مالی
کنید

پوزش

بدلیل کمبود جا این
هفته ایران در آینه
نقض حقوق مدنی را
نتوانستیم درج کنیم
سردبیر

سخنرانی مینا احدی در شهر برن سویس



روز سه شنبه ۲۵ ماه ژانویه، مینا احدی در یک جلسه سخنرانی و گفت و شنود با فعالین و دست اندرکاران، همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در شهر برن سویس شرکت کرد.

در این جلسه در مورد موقعیت پناهندگان در سراسر دنیا، نظم نوین جهانی و موقعیت پناهندگی، سیاستهای ضد پناهندگی دولت سویس و آخرین اخبار و تحولات در مورد موقعیت پناهندگان در سویس به تفصیل صحبت شد و به سوالات حاضرین در زمینه های مختلف پاسخ داده شد.

صحبت شد. دبیر فدراسیون در سویس احمد محمندی در این نشست اعلام کرد که فدراسیون ضمن سازماندهی واحدهای خود در سویس، دور دیگری از فعالیت و تاثیرگذاری در زندگی پناهجویان در سویس را آغاز میکند. فدراسیون پناهندگان ایرانی مصمم است که در نیمه اول ماه فوریه در کشورهای مختلف مجموعه اقداماتی اعتراضی را در دستور

در این نشست در مورد کمپین جهانی فدراسیون در نیمه اول ماه فوریه و همزمان با آن در مورد برگزاری تظاهراتها و میتینگهایی در دفاع از حقوق پناهندگان در کشور سویس